



طب ایرانی مادر مکاتب پزشکی جهان

گفت‌وگویی با دکتر محمد عبادپوری
استاد دانشکده طب سنتی

یک تفکر منطقی یا فلسفی شکل گرفته است. مثلاً مکتب طب چینی براساس تفکر «تائو» (دائو) و مکتب طب هندی یا آیورودا براساس تفکر «ودا» صورت گرفته که هر یک از اینها یک مکتب فلسفی هستند. آنچه امروز از آن به عنوان طب سنتی یاد می‌شود سه بخش دارد: یک بخش آن «طب فولکلوریک» است و در واقع طب بومی در میان اقوام مختلف ایرانی برگرفته از تجربیات یا تعلیمات صاحبان تجربه است. بخش دیگر با عملکرد عطاری‌ها، شکسته‌بندها و... مرتبط است. فعالیت طب سنتی که در قرن اخیر مطرح بوده، منسوب به این دو گروه است. بخش سوم که در واقع مکتب پزشکی - ایرانی است و نام اصلی اش «مکتب طب اخلاطی» است، براساس تفکر عناصر و اخلاط به وجود آمده است. این مکتب در واقع مادر مکاتب پزشکی جهان است و متفرعات زیادی هم دارد و تنها مکتبی است که قابلیت علمی - پژوهشی و آموزشی آن طی قرون و اعصار بر سراسر جهان پزشکی سیطره داشته است.

پس از تحولاتی که در نظام سیاسی و حکومتی ایران رخ داد به خصوص در دوران ورود حکومت‌های استعمارگر فعالیت حکما محدود و محدودتر و آموزش این مکتب پزشکی متوقف شد و رفته رفته حکمای قدیم از صحنه خارج شدند، بعد هم در ایران از مکتب طب اخلاطی، نام و نشانی نماند تا اینکه در اثر مرور زمان عده‌ای در جای جای کشورمان به خاطر غلجه‌ها و نیازهایشان اقدام

اشاره:

طب سنتی ایران، شاید پس از یک دوره فترت یکصد ساله و با وجود تأکید رهبر فقید انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مبنی بر احیا و گسترش آن، اخیراً مورد توجه مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته و پس از طی مراحل قانونی به صورت یک رشته دانشگاهی به تصویب «شورای عالی برنامه‌ریزی کشور» رسیده است.

اگر چه به نظر نمی‌رسد تأسیس مراکز درمانی طب سنتی به شیوه مراکز مشابه (همانند هندوستان) بتواند زبان‌های ناشی از این بی‌توجهی و فترت طولانی مدت را جبران کند اما جای امیدواری است که در صورت تحقق این امر، وقوع تحولی اساسی در این زمینه، امکان بهره‌مندی عموم مردم از این میراث غنی ایرانیان را از مجرای رسمی و قانونی میسر سازد. با دکتر محمد عبادپوری، مدرس دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران پیرامون وضعیت طب سنتی در کشور، جایگاه و روند رو به رشد آن در دانشگاه‌ها به گفت‌وگو نشستیم.

● از سابقه طب سنتی در کشورمان و روند رشد آن شروع کنیم.

○ در دنیا مکاتب پزشکی بسیار محدود بودند و هنوز هم هستند، اما روش‌ها و شیوه‌های درمانی بسیار متعدد و متنوع بوده و هست. یک مکتب پزشکی همواره براساس

زمینه‌هاست تا به کمال خود برسد. حتی اگر در این مقطع که فاقد نیروی انسانی آموزش دیده برای مراکز درمانی، فاقد سیستم داروسازی مورد نیاز این مکتب و فاقد ابزار و ادوات کلینیکی و پاراکلینیکی مورد نیاز این مکتب هستیم، بخواهم در مورد قابلیت درمانی این مکتب حرفی بزنم، باید بگویم حتی در این شرایط و با دست خالی هم قادریم بسیاری از بیماری‌هایی را که به‌عنوان معضل پزشکی رایج شناخته شده درمان یا حداقل کنترل کنیم.

● در طب سنتی در بخش درمان مسئله‌ای به نام «وحدت جسم و روح» وجود دارد که در طب رایج کمتر به آن پرداخته می‌شود. در مورد جایگاه وحدت جسم و روح در طب سنتی توضیح می‌دهید؟

○ تعریفی که مکتب طب اخلاطی از انسان ارائه می‌کند بسیار جامع‌تر و کامل‌تر از تعریفی است که طب آلوپاتی از انسان دارد. از آنجا که انسان دارای ۲ بعد جسمانی و روحانی است، مکتب طب اخلاطی نیز دارای ۲ شاخه طب جسمانی و طب روحانی است. هر طبیب مکتب طب اخلاطی در آموزش‌ها می‌بایست این دو موضوع را به‌طور موازی در کنار هم بیاموزد، زیرا توجه به یکی و غفلت از دیگری موجب کاهش تأثیر درمان یا ناقص ماندن آن یا موفق نبودن در درمان بیماران خواهد شد. در این مکتب حتی برای تدابیر حفظ الصحی اشخاص سالم نیز هر دو بعد را در نظر می‌گیریم و به آن توجه می‌کنیم.

● شیوه‌های درمانی این مکتب چه شباهت‌هایی با طب رایج دارد؟



یکی از عامل‌های اصلی مبتلا شدن به سرطان، ریز فاکتورهای سرطان‌زا می‌باشند. این ریز فاکتورها جزء عناصر اصلی برخی موادی هستند که ما روزانه مصرف می‌کنیم. امروزه متأسفانه استفاده از رنگ‌های شیمیایی برای رنگ کردن موی سر، به ویژه در بین خانم‌ها رایج و متداول شده است. این رنگ موها حاوی مواد بسیار خطرناک شیمیایی هستند که ریز فاکتورهای سرطان‌زا از ارکان اصلی آن است. همان‌گونه که می‌دانیم پوست سر از پر خون‌ترین بافت‌های بدن است، به طوری که هر چه روی آن قرار بگیرد به راحتی و به سرعت جذب خون شده و در سراسر بدن منتشر می‌شود. از طرفی هم رنگ مو را در حجم زیاد و به مدت زمان طولانی روی سر می‌گذارند و شرایط را برای جذب کامل این بمب شیمیایی مهیا می‌کنند.

به جمع‌آوری تجربه و آموزش سینه به سینه کردند و تاکنون چراغ این مکتب را هر قدر کم‌سو ولی روشن نگه‌داشتند. اما از حدود ۱۰ سال قبل تا امروز شور و نشاطی در میان طبقه پزشکان و داروسازان پدید آمد که منجر به تصویب دوره کارشناسی ارشد طب سنتی شد. احیای طب سنتی و آکادمیک شدن آن مرهون تلاش بی‌وقفه عزیزان گمنامی است که تمام هستی‌شان را در این راه خالصانه فدا کردند.

● مکتب طب اخلاطی در کنار طب رایج قرار می‌گیرد یا در تقابل با آن؟

○ مکتب طب اخلاطی که تسامحاً طب سنتی نامیده می‌شود دارای پتانسیل‌هایی است که اگر به کار گرفته شود قادر است در بسیاری از موارد که اصولی و زیربنایی هستند نه تنها طب رایج، بلکه سایر مکاتب پزشکی جهان را یاری رساند. این مکتب سبب ارتقای دانش نوین خواهد شد زیرا پنجره‌های جدید به روی جهان علم خواهد گشود. امروزه اگر حرف نویی بخواهیم به میدان بیاوریم، باید ریشه‌های آن علم را در این مکتب بجوییم.

● این مکتب چه بیماری‌هایی را درمان می‌کند و تحت پوشش قرار می‌دهد؟

○ هر مکتب پزشکی به واسطه تعریف و نگرشی که از انسان، صحت، مرض، درمان، دارو و... دارد مسلماً دارای امتیازات، موفقیت‌ها و همچنین ضعف‌ها یا بن‌بست‌های علمی است. اما نکته مهم آن است که یک مکتب پزشکی باید دارای پویایی باشد؛ یعنی دارای مبانی اجتهادی علمی باشد و چون مکتب طب اخلاطی دارای این ویژگی‌هاست لذا ما نمی‌توانیم آن را محدود به حدود کنیم. بنابراین ما به هر میزان که امکانات، تجهیزات، نیروی انسانی تعلیم یافته و مجرب و مراکز پژوهشی متناسب تأمین کنیم، امکان دخالت در درمان انواع بیماری‌ها برای این مکتب بیشتر و بیشتر می‌شود. پس همانگونه که طب رایج بدون پژوهش و آموزش، توسعه نمی‌یابد مکتب طب اخلاطی نیز نیازمند این



شاخ و برگ‌های زیادی که دارد از ضعف‌ها و کاستی‌های بسیاری برخوردار است.

● به عنوان مدرس دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران اولین دوره برگزاری رشته طب سنتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ صرف‌نظر از کاستی‌هایی که قبلاً عرض شد هم به لحاظ علاقه و انگیزه دانشجویان و هم به لحاظ علاقه‌مندی و پشتکار دست‌اندرکاران این دوره، آینده‌ای پر از موفقیت و روشنی و کامیابی را انتظار داریم.

● در کنار بخش آکادمیک که سامان گرفته است آیا برای جمع‌آوری آموزه‌های طب بومی که نزد مردم در نقاط مختلف کشور وجود دارد، برنامه‌ریزی شده؟

○ وقتی این رشته در سطح دانشگاه‌های کشور گسترش پیدا کند قدر مسلم برای هر یک از این مقولات راه‌چاره، روش تحقیق - بررسی و انتقال آن به اشخاصی که متناسب با پتانسیل‌های طب بومی و ... هستند راهکارهایی بررسی و ارائه می‌شود.

● چرا با وجود اینکه ضرورت توجه به طب سنتی در بخش درمانی احساس می‌شود و با وجود آکادمیک شدن این رشته، برخی از پزشکان نسبت به این شیوه‌های درمانی بی‌اعتنا هستند؟

○ دو علت عمده وجود دارد: یکی جهل است و دیگری خودباختگی. انسان نسبت به چیزی که آگاهی ندارد عناد می‌ورزد به خصوص که این عنادورزی با نبود تعهد اخلاقی نیز همراه باشد، زیرا کسی که تعهد اخلاقی دارد در مورد دانشی که نسبت به آن اشراف ندارد، اظهار نظر نمی‌کند چه برسد به اینکه آن علم را تخطئه کند. این نهایت تعهد نداشتن فرد نسبت به جهان دانش است. علت دوم خودباختگی افراد در برابر غرب است. اینگونه افراد ارزش‌های میهنی خودشان را در ذهن تبدیل به ضد ارزش کرده‌اند و امروز که از طب ایرانی ویژگی‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌هایش سخن به میان می‌آید، احساس می‌کنند که به شخصیت‌شان توهین می‌شود و درصدد دفاع از محفوظات خود برمی‌آیند.

محفوظاتی که به صورت فرهنگ و باور درونی‌شان در آمده است. البته گروه دیگری هم وجود دارد که بهتر است راجع به این گروه صحبت نکنیم، زیرا این گروه افرادی هستند که آیه «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً» در موردشان صادق است.

پی‌نوشت:

* برگرفته از: «همشهری آنلاین».



مکتب طب اخلاقی که تسامحاً طب سنتی نامیده می‌شود دارای پتانسیل‌هایی است که اگر به کار گرفته شود قادر است در بسیاری از موارد که اصولی و زیربنایی هستند نه تنها طب رایج، بلکه سایر مکاتب پزشکی جهان را یاری رساند.

○ به قول مرحوم استاد دکتر سیدجلال‌الدین مصطفوی کاشانی که بیش از ۶۰ سال از عمر گرانمایه‌اش را در رابطه با تحقیق و پژوهش در مکتب طب اخلاقی گذرانده بود و اعتقاد به طب التقاطی داشت و شعارش «خوب‌های قدیم و خوب‌های جدید در اختیار سلامت انسان» بود. تا امروز یک‌سوم از مطالب مکتب طب اخلاقی در کتب و آموزش‌های طب رایج عیناً دست نخورده باقی مانده است و یک سوم دیگر آن از نظر طب رایج غیرقابل استفاده است و یک سوم باقی‌مانده، نه اثبات و نه رد شده است. در حالی که پاسخ بسیاری از معضلات و بن‌بست‌های دانش پزشکی رایج در آن وجود دارد و این مهم در گرو فراگیری زبان فنی مکتب طب اخلاقی است و تا زمانی که ترمینولوژی مکتب طب اخلاقی فراگیر نشود متخصصان و دست‌اندرکاران حرفه پزشکی قادر به کشف و درک این معانی نخواهند شد.

● جایگاه طب سنتی و روند رشد آن در ایران در مقایسه با جایگاه طب سنتی در کشورهای دیگر چگونه است؟

البته روند رشد این دانش در کشورمان به خاطر نبود امکانات کافی و به کار نرفتن نیروهای مجرب و علاقه‌مند و نبود قوانین لازم، روند بسیار کندی است، اما چنانچه دولتمردان و دست‌اندرکاران توسعه این علم قادر باشند قوانین لازم و ابزار و ادوات مورد نیاز را فراهم کنند در آینده می‌توان شاهد جهش این علم و پرچمداری آن و سیادت جهانی آن میان سایر کشورها باشیم، زیرا مکتب طب ایرانی (طب اخلاقی) که مثل گنجی پنهان است، دارای استعداد و توانایی‌های بالقوه زیادی در حیطه درمان است، در حالی که مکتب طب آلپویتی با وجود



تاثیر مس در متوقف کردن عفونت‌های بیمارستانی طی آزمایش بالینی در یکی از بیمارستان‌های پیشرو انگلیس مطالعه شد. هدف این دوره آزمایش ۱۸ ماهه در بیمارستان سلی اوک بیرمنگهام، پی بردن به پاسخ این سؤال بود که آیا نصب و به کارگیری سطوح مسی، میکروب MRSA و دیگر عفونت‌های بیمارستانی را از بین می‌برد. دانشمندان دانشگاه ساوت همپتون این مطالعه را ادامه دادند که ثابت می‌کند خواص ضد میکروبی طبیعی مس و آلیاژهای آن به طور چشم‌گیری حضور باکتری‌های رشته‌ای را کاهش می‌دهد. آنها دریافتند این فلز با جلوگیری از تولید مثل و تخریب DNA باکتری‌ها، آنها را از بین می‌برد.

هر ساله حدود ۳۰۰ هزار بیمار در بیمارستان‌های انگلیس به عفونت‌های بیمارستانی مبتلا می‌شوند و حداقل ۵۰۰۰ نفر از آنها جان خود را از دست می‌دهند. بیشترین عفونت‌ها در تماس با سطوحی چون دستگیره درها، شیرهای دستشویی، سیفون‌ها و نرده‌ها منتقل می‌شود. مطالعات نشان داده است که یک سطح مسی به مساحت یک سانتی متر مربع، ۱۰ میلیون باکتری MRSA را ظرف ۹۰ دقیقه از بین می‌برد. با توجه به اینکه تجمع میکروب‌ها روی دستگیره درها و در سایر سطوح به طور کلی کمتر از این میزان است، تصور می‌شود برای از بین بردن این عوامل بیماری‌زا روی سطوح بیمارستانی فقط ۳۰ دقیقه زمان لازم است. در مقابل، باکتری‌ها می‌توانند تا چندین روز روی سطوح ساخته شده از فولاد ضد زنگ زنده بمانند و این در حالی است که سطوح فولادی در مراکز بهداشتی و بیمارستان‌ها به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. طی دوره آزمایشی ۱۸ ماهه در بیمارستان سلی اوک که هم‌اکنون در حال انجام است، در یکی از بخش‌ها، همه دستگیره‌های فولادی و سطوح فلزی شیرهای دستشویی، سیفون‌ها و نرده‌ها را با مس جایگزین کرده‌اند. حتی مدادهایی که به وسیله کارمندان استفاده می‌شود را از برنج با درصد مس بالا در نظر گرفته‌اند. بخش مجاور این قسمت از بیمارستان را به همان حالت قبلی نگه داشته‌اند و دانشمندان به طور مرتب نمونه‌گیری‌هایی از دستگیره‌ها و سایر سطوح انجام می‌دهند تا مشخص کنند مس تا چه اندازه در کشتن میکروب‌ها مؤثر است. آزمایش‌های اخیر نشان می‌دهد که مس نه تنها میکروب MRSA را می‌کشد، بلکه در مقابل یک گونه کشنده باکتریایی به نام کلوستریدیم دیفیسیل (Clostridium Difficile) که بسیار مقاوم و عامل مرگ هزاران بیمار است، موفق ظاهر می‌شود.

